Payamdaily.ir
نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۲۸۷۲
سه‌شنبه / ۱۳ آبان / ۱۴۰۴
۱۳ / جمادی الاول / ۱۴۴۷
04 / November / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ماهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۲۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ (غزل ۱۹۹)

ای گدای خانقه بَرجَه که در دیرِ مُغان
می‌دهند آبی که دل‌ها را توانگر می‌کنند
حُسنِ بی‌پایان او چندان که عاشق می‌کُشد
زمره دیگر به عشق از غیب سَر بَر می‌کنند

غزل

زندگی محمل کش وهم دوعالم آرزوست
می‌تپد در هر نفس صد کاروان بانگ درا
بیدل دهلوی

اوقات شرعی (افق کرج)

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۰۶	۰۶:۳۲	۱۱:۴۹	۱۷:۰۶	۱۷:۲۵

برگه

انسان کسی را می‌تواند نجات دهد که خود اصرار به سقوط نداشته باشد...
تولستوی

گزارش روز

شگردهای مکمل‌فروشی

در ورودی جایگاه‌های سوخت بنرهایی نصب شده که اعلام می‌کنند: «فروش و عرضه مکمل در این جایگاه انجام نمی‌شود». در برخی از این بنرها نیز عبارت «سوال نفرمایید» نیز گنجانده شده اما وقتی وارد جایگاه می‌شوید، قضیه فرق می‌کند نه‌تنها شاهد عرضه و فروش مکمل‌های بنزین هستیم که در برخی موارد در ازای خرید این محصول یا فروش اجباری اکتان‌افزاها کارت سوخت می‌دهند؛ موضوعی که باعث نارضایتی عموم مردم شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، فروش مکمل‌های سوخت در پمپ‌بنزین‌ها ممنوع است. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران بارها درباره این موضوع تاکید و اعلام کرده فروش مکمل در جایگاه‌های سوخت کشور غیرقانونی است و این شرکت کیفیت و کمیت این مکمل‌ها را تأیید نمی‌کند و فاقد استاندارد است. حتی دربخشنامه‌های مختلف نیز گفته هموطنان می‌توانندبرای ثبت شکایت علاوه‌بر سامانه ۱۲۴ با شماره ۰۹۶۲۷ مرکز پاسخگویی شرکت پخش نیز تماس بگیرند این در حالی است که همچنان شاهد عرضه مکمل‌های بنزین در جایگاه‌های سوخت هستیم اگر حتی یک‌بار به جایگاه سوخت مراجعه کرده باشید، با فروش مکمل روبه‌رو شده‌اید. تا همین چند ماه پیش محصولی با نام مکمل فروخته می‌شد و برخی افراد هم اقدام به خریداری می‌کردند اما اکنون با نام‌های اکتان‌افزا، شوینده انژکتور، تمیزکننده موتور، کاهنده مصرف سوخت و ... فروخته می‌شود. تا اینجا نکته خاصی وجود ندارد و افرادی که نیازمند مکمل‌های بنزین هستند، می‌توانند از آن استفاده کنند اما ماجرا از جایی عجیب می‌شود که خریداران مکمل متوجه شوند آنچه با این عنوان خریداری کرده‌اند، همان بنزین معمولی جایگاه است. در واقع این افراد بنزین را لیتری یک‌میلیون تومان و با نام مکمل خریداری کرده‌اند. متصدیان جایگاه‌های سوخت معمولا به خودروهای خارجی یا خودروهای صفر داخلی پیشنهاد می‌کنند که از مکمل استفاده کنند و ازآنجایی که مخزن اصلی خالی شده، بنزین با رسوب وارد باک می‌شود و از این رو باید از رسوب‌زدا استفاده کنند تا خودرو دچار مشکل نشود. برخی متصدیان جایگاه پا را فراتر از پیشنهاد گذاشته، شخصا اقدام به ریختن مکمل بدون رضایت مشتری می‌کنند. همین موضوع باعث اعتراض بسیاری از شهروندان شده است. البته اتحادیه جایگاه‌داران سوخت اعلام کرده زمانی که با چنین مواردی روبه‌رو شدید از پرداخت وجه خودداری کرده و موضوع را به پلیس ۱۱۰ گزارش دهید تا فرد متخلف مستقیما به تعزیرات معرفی و محاکمه شود.

بازار مکمل نیازمند ساماندهی

برخی از مکمل‌هایی که اکنون در بازار وجود دارد از طریق مبادی رسمی و به صورت قانونی وارد کشور شده اما نکته قابل توجه اینجاست که سودجویان اقدام به واردات یا خرید قوطی این مکمل‌ها از مرزهای کشور به صورت غیرقانونی کرده‌اند و با عرضه مواد بی‌کیفیت یا همان بنزین معمولی، پول به جیب می‌زنند. اتحادیه تعمیرکاران خودرو نیز اعلام کرده خودروهایی که به ظاهر مکمل مصرف می‌کنند، بیشتر دچار آسیب موتوری می‌شوند و هزینه‌های گزافی روی دستشان می‌ماند. این در حالی است که اغلب تعمیرکاران معتقدند مصرف بنزین سوپر به‌تنهایی می‌تواند به عملکرد موتور کمک کند اما از آنجایی که عرضه این محصول متوقف شده، سودجویان از این شرایط بهره می‌برند.

کارت سوخت جایگاه در قبال خرید اکتان‌افزا

استفاده از کارت سوخت شخصی در قانون بودجه امسال هم گنجانده شده و دولت تا تیرماه باید سهمیه بنزین را از کارت‌های سوخت هوشمند به حساب‌های بانکی صاحبان خودرو منتقل می‌کرد. این اقدام با هدف مدیریت بهتر یارانه سوخت، کاهش هزینه‌ها و تسهیل فرآیند سوخت‌گیری صورت می‌گیرد اما این اتفاق نیفتاد. ضمن این‌که ضریب استفاده از کارت سوخت شخصی باید به ۹۰ درصد می‌رسید که این موضوع هم به صورت کامل اجرا نشد. حالا همین موضوع به پاشنه آشیل عرضه کارت سوخت به خودروها تبدیل شده است. خودروهایی که فاقد کارت سوخت هستند پس از این‌که از متصدی جایگاه درخواست کارت کنند با جمله «مکمل می‌خواهی یا موتورشور می‌خری» مواجه می‌شوند. اگر پاسخ فرد متقاضی مثبت باشد، کارت جایگاه در اختیار آنها قرار می‌گیرد و اگر پاسخ منفی باشد، متصدی می‌گوید سهمیه تمام شده است. البته باید توجه داشت در اغلب جاده‌های کشور کارت سوخت به میزان کافی عرضه شده اما به دلیل این‌که با این کارت‌ها تنها ۳۰ لیتر در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد، مراجعه خودروها به جایگاه سوخت را افزایش داده است. درواقع افراد به جای یک بار سوخت‌گیری کامل تقریبا هر ۲۰۰ کیلومتر مجبورند باک خود را پر کنند تا مبادا جایگاه بعدی به آنها کارت ندهد یا مجبور به خرید اکتان‌افزا شوند. رضا نواز، سخنگوی صنف جایگاه‌داران چندی پیش دراین‌باره گفته درحال حاضر آمار بیشترین فروش مربوط به شهر تهران است؛ حدود ۷۵درصد موارد فروش اجباری در پایتخت اتفاق می‌افتد و تنها ۲۵درصد در دیگر نقاط کشور مشاهده می‌شود.

ضعف قوانین

این عدم برخورد با کارکنان متخلف جایگاه‌های عرضه سوخت، از نبود قانون و نبود شیوه کارآمد نظارتی حکایت دارد؛ در برخی موارد اگر مالک جایگاه هم بخواهد نیروی متخلف خود را اخراج کند در پیچ‌وخم مسائل مربوط به کارگر و کارفرما گیر می‌افتد و ازبرخورد با نیروی متخلف خودداری می‌کند. درچنین شرایطی که کارکنان متخلف برخی جایگاه‌ها اقدام به فروش اجباری و قلدرمآبانه ادتیوهای بنزین و اکتان‌افزا در پمپ‌بنزین‌ها می‌کنند ودرصورت ثبت شکایت در تعزیرات، صنف جایگاه‌داران و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، یک حاشیه امنی برای خود متصور هستند. تنها یک روش کارآمد برای مالکان خودروهایی وجود دارد که تحت این‌نوع کلاهبرداری قرار می‌گیرند در صورتی که در هنگام سوخت‌گیری و مراجعه به یک جایگاه عرضه سوخت، بدون اجازه اقدام به ریختن محلولی درون باک خودروی شما شد و پول آن را طلب کردند، در اولین اقدام، با پلیس ۱۱۰ تماس بگیرید و خواستار حضور مأمور قانون و ثبت گزارش با درج نام فرد متخلف شوید. تصویری از گزارش ثبت‌شده مأمور پلیس ۱۱۰ را به شکایت خود الصاق کرده و به صنف جایگاه‌داران سوخت یا نهاد قضایی مراجعه کنید در این صورت می‌توانید نسبت به پول زور دریافتی، احقاق حق کنید؛ در غیر این صورت، امکان اثبات فروش اجباری مکمل سوخت وجود ندارد و فرد متخلف با تجربه گذشته کلاهبرداری در این زمینه، در یک حاشیه امن به کلاهبرداری خود ادامه می‌دهد. نکته قابل توجه دیگر اینجاست که علاوه‌بر جایگاه‌های سوخت، در فروشگاه‌های اینترنتی معروف و پربازدید نیز مکمل‌ها عرضه می‌شود. به‌نظر می‌رسد قوانین عرضه مکمل سوخت در کشور باید کمی شفاف‌تر باشد و یک دستگاه متولی و ناظر شناخته شود. استاندارد یا فاقد استاندارد بودن و همچنین قانونی یا قاچاق بودن محصولات تنها در صورت وجود متولی وناظر مشخص خواهد شد.

برش

از تی‌بگ ۲ هزار تومانی تا چوب دارچین ۱۸۰ هزار تومانی!

تهران شهری است که حتی عطر چای هم در آن طبقه‌بندی شده است

به گزارش پیام آشنا به نقل از هفت صبح، صبح زود است. بوی چای تازه از پنجره باز به درون خانه می‌پیچد. بخار آرام بالا می‌رود وصدای قل‌قل کتری، سکوت آشپزخانه را می‌شکند. این نخستین چای روز است؛ ساده و بی‌تکلف از همان تی‌بگ‌هایی که بسته‌شان گوشه کابینت افتاده. اگر حساب کنیم، هر تی‌بگ حدود دو هزار و پانصد تومان قیمت دارد؛ با کمی آب جوش و برق مصرفی می‌شود یک لیوان چای دو هزار و ششصد تومانی. اما همین نوشیدنی ارزان، وقتی از خانه بیرون می‌زند و وارد دنیای کافه‌ها و چایخانه‌ها می‌شود، لباسی تازه می‌پوشد و قیمتش هم ناگهان چندین برابر بالا می‌رود.

ایستگاه اول: چای در لیوان کاغذی

در نزدیک ایستگاه مترو، مردی کنار کیوسک روزنامه‌فروشی بساط چای چیده: یک سماور برقی استوانه‌ای بزرگ، چند بسته تی‌بگ و ساشه‌های نسکافه و ردیف لیوان‌های کاغذی. روی تابلوی مقوایی نوشته: «چای داغ ۲۰ هزار تومان». مردم می‌ایستند، کارت می‌کشند و با بخار چای از میان سرمای صبح عبور می‌کنند. همین لیوان ساده که در خانه کمتر از سه هزار تومان در می‌آید، حالا در شلوغی پیاده‌رو پنج برابر فروخته می‌شود.

لیوان کاغذی، لبخند فروشنده و سرمای خیابان، به آن قیمتی تازه داده‌اند. در بعضی خیابان‌های شهر بوی چای زغالی به مشام می‌رسد؛ در لیوان‌های مناسب‌تر و نبات‌های کوچک مخصوص. آنجا قیمت تا سی هزار تومان هم می‌رسد. کسی اعتراض نمی‌کند؛ گرمای یک جرعه چای در هوای پاییز، خودش حکم معامله‌ای منصفانه دارد.

ایستگاه دوم: قهوه‌خانه‌های جنوب شهر

چند ایستگاه آن‌طرف‌تر، در کوچه‌ای باریک حوالی میدان فردوسی، تابلوی زردرنگی بالای در نوشته: «چایخانه ...» داخل، صدای ورق بازی، بخار سماور و بوی تنباکو فضا را پر کرده. پیرمردی با دستمالی روی شانه، استکان‌های کمرباریک را روی سینی فلزی می‌چیند. چای دم‌کشیده، پررنگ و معطر است. روی نعلبکی، گاهی یک تکه نبات زعفرانی هم می‌گذارند. قیمت؟ بیست و پنج هزار تومان برای هر استکان.

در همین قهوه‌خانه‌ها اگر چای زغالی همراه با دارچین بخواهی، باید تا سی و پنج هزار تومان بپردازی. اما طعمش، چیزی از خاطره کم ندارد؛ چای قهوه‌خانه‌ای فقط نوشیدنی نیست؛ بخشی از هویت تهران قدیم است. سماورهای جوشان، لیوان‌های لب‌پریده و میزهایی که هزار قصه رویشان حک شده، مردانی که بعد از کار سنگین روزانه به اینجا پناه می‌آورند، در استکان چای خود آرامش می‌جویند. شاید همین سادگی، راز بقای چایخانه‌های قدیمی است.

ایستگاه سوم: کافه‌های مرکز شهر

ظهر که آفتاب از دل دود و مه بیرون می‌آید، تهران رنگ دیگری می‌گیرد. در خیابان کریم‌خان، کافی‌شاپ‌های کوچک با بوی قهوه و چای پر می‌شوند. اینجا دیگر خبری از استکان‌های لب‌پریده نیست. چای در فنجان‌های شیک سرو می‌شود، کنار آن قاشقی براق، یک بیسکویت کوچک و گاهی برگی از نعناع تازه یا غنچه خشک‌شده گل محمدی به همراه اندکی چوب دارچین. قیمت هر فنجان چای ایرانی در این کافه‌ها بین پنجاه تا هشتاد هزار تومان است.

در بعضی کافه‌ها اگر چای سفارش دهید، عدد روی فاکتور تا صد هزار تومان بالا می‌رود. در نگاه اول چنین پولی برای یک لیوان چای سیاه ایرانی عجیب به نظر می‌رسد، اما وقتی اجاره مغازه، هزینه برق و پرسنل را حساب کنید، این رقم چندان دور از ذهن نیست. با این حال، چای در این بخش از شهر معنای تازه‌ای پیدا کرده؛ نوشیدنی آرامش‌بخش جلسات کاری و گفت‌وگوهای طولانی. فنجانی که بیشتر از طعمش، حس «در امان بودن از شتاب شهر» را می‌فروشد.

ایستگاه آخر: چای با شکلات و فرنچ پرس

عصر به نیاوران که می‌رسی، همه‌چیز رنگ لوکس می‌گیرد. خیابان‌ها تمیزتر، تابلوها براق‌تر و منوها پر از واژه‌های فریبنده. در یکی از کافه‌های تازه‌تأسیس، چای دیگر چای نیست؛ یک مراسم کوچک است. قوری شیشه‌ای روی پایه چوبی قرار گرفته و بخار آرام از دهانه‌اش بالا می‌رود درون فنجان. چند پر گل محمدی شناور است. کنار سینی، یک شکلات تلخ کوچک، یک چوب دارچین و نبات زعفرانی گذاشته‌اند. این ترکیب چشم‌نواز، همان «سرویس چای ویژه» است که قیمتش در منو ۱۸۰ هزار تومان درج شده است.

متوسط قیمت چای سیاه ایرانی در کافه‌ها بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان است که اینجا به دو برابر افزایش می‌یابد. یعنی برای یک چای و کوکی خوردن دو نفره، باید بالای ۴۰۰ هزار تومان پرداخت شود. عددی که به‌سادگی از درآمد روزانه بسیاری از کارگران بیشتر است. اما مشتریان این کافه‌ها کمتر به عددها نگاه می‌کنند. برایشان مهم‌تر از چای، لحظه عکاسی است؛ بخار روی فنجان، پس‌زمینه پنجره، نور نرم بعدازظهر و تگ کردن موقعیت کافه در شبکه‌های اجتماعی.

اشاره

آیا بین تشکیل ساواک و دکتر مصدق ارتباطی وجود داشت؟

بعضی‌ها همیشه به آقای دکتر مصدق ایراد می‌گرفتند که آقا این سازمان امنیت در زمان آقای دکتر مصدق این قانونش تصویب شده این یک اشتباه لفظی است. آن چیزی که در زمان آقای دکتر مصدق تصویب شد قانون امنیت اجتماعی بود نه سازمان امنیت

به گزارش پیام آشنا به نقل از عصر ایران، نصرت‌الله امینی (زاده خرداد ۱۲۹۴، اراک – درگذشته ۳۱ فروردین ۱۳۸۸)، فعال سیاسی ایرانی بود. او بعد از آزادی دکتر مصدق از زندان و در دوران تبعید او در احمدآباد وکیل دکتر مصدق بود. او در فاصله سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ شهردار تهران بود و در دولت دکتر مصدق برای مدتی هم رییس بازرسی نخست‌وزیری بود. وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ هم در دولت مهندس مهدی بازرگان برای مدتی استاندار فارس بود. او در سال ۱۳۶۲ با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد مصاحبه کرد و در این مجال به اشاره او به تصویب قانون امنیت اجتماعی در دوران دکتر مصدق و حواشی مربوط به آن می پردازیم:

«این‌جا بنده دلم می‌خواهد یک مسئله‌ای را عنوان کنم که بعضی‌ها همیشه به آقای دکتر مصدق ایراد می‌گرفتند که آقا این سازمان امنیت در زمان آقای دکتر مصدق این قانونش تصویب شده این یک اشتباه لفظی است. آن چیزی که در زمان آقای دکتر مصدق تصویب شد قانون امنیت اجتماعی بود نه سازمان امنیت

قانون امنیت اجتماعی این بود که اگر در دهات عده‌ای شلوغ می‌کنند یا در کارخانجات کمیسیونی متشکل از رئیس دادگستری و دادستان و رئیس شهربانی یا رئیس ژاندارمری تصمیم می‌گیرند که این شخص را یا اشخاص را به یک نقاطی که حتماً آن نقطه خوش آب‌وهوا باشد و بد آب و هوا نباشد برای یک مدت محدودی که از یک سال کمتر باشد تبعید کنند و تازه در آن‌جا ذکر شده است که این تصمیم قابل شکایت است در محکمه استیناف و باید خارج از نوبت رسیدگی بشود و رأی دادگاه استیناف قطعی است».

قانون امنیت اجتماعی اساسا چه بود؟

در پاییز سال ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت با استفاده از لایحه اختیارات ۶ ماهه که مجلس شورای ملی دوره هفدهم به او تفویض کرده بود، قانونی را تصویب کرد با نام قانون امنیت اجتماعی. این قانون که ۹ ماده و چند تبصره داشت مجموعه ای گسترده تر از آن چه را در صحبت های نصرت الله امینی آمد مورد پوشش قرار می داد و تمرکز قابل توجه آن بر روی جلوگیری از اعتصابات و شورش ها در سازمان ها و اداره جات دولتی طراحی شده بود و گرچه برگزاری اجتماعات را آزاد می دانست اما شرط آن این بود که این اجتماعات به خشونت کشیده نشود و مخل نظم عمومی نباشد.

اما ۴ سال بعد که سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تشکیل شد بسیاری از منتقدان دکتر مصدق، قانون اجتماعی تصویب شده در دوران او را مقدمه و اساس قانون تشکیل ساواک دانستند و تاکنون هم این مساله مورد اختلاف بین طرفداران و مخالفان دکتر مصدق بوده است.